



پرونده‌ای برای فیلم سینمایی «شب‌ی که ماه کامل شد» یکی از درخشان‌ترین فیلم‌های این دوره جشنواره فیلم فجر

روایت جهالت خیانت، جنایت

گروه فرهنگ و هنر: به گواه بسیاری از اهالی سینما و رسانه تا این روز از جشنواره فجر، تازه‌ترین اثر نرگس آبیاری، بهترین فیلمی است که روی پرده سینماهای سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر رفته است. فیلمی با مضمون امنیتی و حول زندگی عبدالحمید ریگی و همسرش که با روایت انسانی نرگس آبیاری در هم آمیخته شده و در کنار هنرمندی‌های ممتاز شاکر دوست و هوتن شکیبا تبدیل به اثری دلنشین و مهیجی شد به نام «شب‌ی که ماه کامل شد». فیلمی که اگر نام آبیاری را از آن حذف کنیم، به واسطه صحنه‌های اکشن و خطرناکش هیچ‌کس گمان نمی‌برد فیلمسازی زن، آن را خلق کرده است. شب گذشته این فیلم در پردیس ملت اکران شد و به همین بهانه در پرونده ویژه امروز فیلم گفت‌وگویی با محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده این فیلم داشتیم و در یادداشتی به تحلیل بخش‌هایی از این فیلم پرداختیم.



■ فکر می‌کنم به عنوان نخستین سوال خوب است از اینجا شروع کنیم که شما چگونه به این قصه رسیدید و روند شکل‌گیری قصه که منجر به تولید این فیلم شد، چگونه بود؟
واقعیت امر این است که موضوع افراطی‌گری و تکفیری‌ها مبتلا به دنیااست؛ یعنی نه فقط در ایران بلکه در سایر کشورها هم این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. مثلاً اگر مروری بر آثار حاضر در جشنواره برلین در سال گذشته داشته باشید می‌بینید که درباره این موضوعات و به طور کلی موضوعاتی از این دست، آثاری وجود دارد که این نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. این موضوع نخستین بار از سوی

آن را شخصی دیگری تأمین کند. یک سالی با اینکه طرح آماده بود و آقای مرتضی اصفهانی طرح را به آن دوست ما داده بود، تحقیقات میدانی و پژوهش ما طول کشید و نتیجه آن فیلمنامه این کار شد و از آنجایی که آقای اصفهانی به موضوع اشراف داشت، خانم آبیاری در مراحل مختلف نگارش فیلمنامه از ایشان کمک می‌گرفت. ما در اواسط ساخت پروژه بودیم که به دلایلی من مجبور شدم ۱۰۰ درصد سرمایه کار را از طریق موسسه خودمان تأمین کنم. البته کمک‌هایی هم از برخی بومی‌های منطقه سیستان و بلوچستان گرفتم اما تحت نظر موسسه خودمان یعنی موسسه «هفت هنر ماندگار» کار را پیش بردیم.

■ یکی از نکاتی که در بسیاری از فیلم‌های جشنواره فجر امسال به چشم می‌آید، موضوع ضعف تهیه‌کنندگی است، یعنی تهیه‌کنندگان مادر بسیاری از فیلم‌ها به دلیل آنکه خودشان نگاه درست و استراتژیکی به سینما ندارند، نمی‌توانند فیلمساز را به سمت مسیری ببرند که فیلم خوب و باکیفیت بسازد. عمده فیلم‌هایی که می‌بینیم آثار کم‌هزینه‌ای هستند که بدون شناخت از جایگاه مخاطب ساخته می‌شوند. حالا سوال این است در این شرایط غالب بر سینمای ایران شما چگونه سراغ پروژه‌های تا این اندازه سخت، با بوداکنش گسترده که فیلمبرداری در ۳ کشور را هم داشته، رفتید؟

من هنوز فیلم‌های دیگر جشنواره فجر امسال را

محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده فیلم در گفت‌وگو با «وطن امروز»: تجربه مستندسازی در «شب‌ی که ماه کامل شد» به کمک‌مان آمد

به‌زعم بنده درباره هنر مخصوصاً درباره هنر-صنعت سینما نمی‌شود خیلی پیش‌بینی کرد، به خاطر همین پیش‌بینی خاصی نداشتم ولی چیزی که برای ما مسجل بود، تلاش همه‌جانبه اعضای گروه برای بهتر شدن اثر بود. از طرف دیگر چیزی که همیشه برای تیم ما اهمیت داشته این است که اثرمان در چرخه طبیعی خودش در سینما قرار بگیرد، یعنی فیلم با داشتن ویژگی‌های هنری برای مردم تولید شود.

■ با توجه به حساسیت بالای موضوع فیلم، احتمال آن وجود دارد که در مسیر اکران عمومی اثر بویژه در مناطقی که حوادث قصه در آن روایت می‌شود، با مشکل روبه‌رو شود؟

بعید می‌دانم اکران فیلم در آن جغرافیا با مشکل روبه‌رو شود، چرا که ما هم قبل و هم هنگام تولید فیلم و هم پس از آن مشاوران بومی آن منطقه مشورت گرفتیم و احساس می‌کنم به امید خدا در شروع اکران فیلم در آن منطقه، اتفاقاً از این فیلم استقبال هم شود، چون سعی کردیم در حد توان خودمان مردم خوب بلوچستان را از برجسب‌های غلطی که خدای نکرده شاید به بعضی از آنها زده شود، جدا کنیم.

پیچیده و سخت است و هم شرایط امنیتی که در آنجا وجود دارد، خیلی ویژه است. چون متأسفانه در این کشور حضور گروه‌های تروریستی بسیار زیاد است و حتی شما وقتی وارد آن کشور می‌شوید، نخستین تصور درباره شما این است که می‌خواهید با یکی از گروه‌های تروریستی فعال در این کشور، دیدار کنید! و این شرایط طبیعتاً کار تولید فیلم را هم سخت‌تر می‌کند. تولید این کار در پاکستان در جاهایی بود که من فقط می‌توانم بگویم خدا به ما رحم کرد که اتفاقاً برای ما و گروه‌مان نیفتاد؛ مردم ما با همراهی کردند و خدا را شکر بدون مشکل کار ما پیش رفت. البته تجربه مستندسازی هم خیلی به ما کمک کرد، چون هم کارگردان و هم فیلمبردار ما هر دو تجربه زیادی در سینمای مستند دارند و تجربه من نیز در عرصه تهیه و تولید فیلم‌های مستند در مجموع باعث شد بتوانیم تا آنجا که می‌شود از حداکثر پتانسیل موجود در قضا استفاده کنیم و به خروجی برسیم.

■ تا امروز هم از جانب مردم و هم از جانب منتقدان و رسانه‌ها استقبال خیلی خوبی از این فیلم شده است. خودتان در زمان تولید فیلم انتظار چنین استقبال گسترده‌ای را داشتید؟

ندیده‌ام و خیلی از بزرگوارانی که در این جشنواره حضور دارند، پیشکسوت ما هستند، چه در زمینه تهیه‌کنندگی برای بنده و چه در زمینه کارگردانی برای خانم آبیاری ولی چیزی که من همیشه سعی کرده‌ام در همین تعداد محدود آثار سینمایی که تهیه‌کننده آن بودم، مورد توجه قرار دهم، احترام به مخاطب و احترام به پرده نقره‌ای سینماست. سعی کردم کارهایی که سراغ تولید آن رفتم، ویژگی‌های مدیوم سینما را داشته باشد و در این زمینه کم‌فروشی نکنم. البته این کار به ۲ دلیل سخت است؛ یکی آنکه ما در زمینه تهیه‌کنندگی کم‌تجربه‌تر از سایر دوستان هستیم و از سوی دیگر این کم‌فروشی نکردن در زمینه تولید، نیازمند تلاش و زحمت بیشتری است. «شب‌ی که ماه کامل شد» سختی‌های خاص خود را داشت ولی من در وهله اول می‌خواهم از مردم سیستان و بلوچستان تشکر کنم چون در تولید این اثر خیلی به من کمک کردند. مردم سیستان و بلوچستان مردمانی هستند که ویژگی کریم بودن، یکی از ویژگی‌های اصلی آنهاست و هر چه دارند در طبع اخلاص می‌گذارند. از آن سو ما با کشوری مثل پاکستان برای تولید این فیلم طرف بودیم که هم بروکراسی اداری در آنجا بی‌نهایت

یادداشتی درباره هنر نرگس آبیاری در شخصیت‌پردازی تازه‌ترین اثرش

قصه‌گو، پرکشش، بهت‌آور

غفور سر زده است، حادثه‌ای که برای برادر فائزه رخ می‌دهد و آن شبی که ماه کامل می‌شود، مخاطب را در خلسه‌ای عمیق فرو می‌برد. کارگردان به استنادات پایبند است و درام به محتوای واقعی هیچ لطمه‌ای نمی‌زند؛ فیلم شناخت دقیقی از مردم بلوچستان به مخاطب می‌دهد و زجر بلوچستان از دست تکفیری‌ها و تفاوت مردم این منطقه با تکفیری‌ها را با یقینی به تصویر می‌کشد و در نهایت بعد از صد و چند دقیقه اتفاقی را برای مخاطب به تصویر می‌کشد که پای رفتن بیرون از سالن را ندارد و شاید تا نیمه‌های شب در شوک «شب‌ی که ماه کامل شد» بماند. «شب‌ی که ماه کامل شد» را می‌توان از وجه موضوع در رسته «سینمای استراتژیک» قرار داد که موضوع آن هم به‌روز و هم جهانی است. فیلم وجه تمایز اسلام راستین را با نسخه دروغین و تکفیری به نمایش می‌گذارد؛ چیزی که ما در روزگار حاضر بشدت به آن نیاز داریم. ما در فیلمنامه با ۲ نوع انسان طرفیم؛ یکی که به اصطلاح «تیپ» گفته می‌شود و دیگری

میکائیل دانی: «شب‌ی که ماه کامل شد» بر خلاف بخش زیادی از فیلم‌های جشنواره به طور کامل متکی بر یک داستان قوی است و همین داستان پر قدرت است که توانسته فیلم را جلو ببرد. قصه فیلم تماماً یک داستان واقعی است که ابهام، تعلیق، فراز و فرود و نقاط عطف موقعی را در خود دارد و مخاطب درگیر از تعلیقات است. فیلمنامه در درجه اول باید قابلی داشته باشد که مخاطب را بگیرد، این قاب همان ۱۰ دقیقه اول برای مخاطب ایجاد می‌شود و آن سوال اساسی فائزه است: «من با چه خانواده‌ای مواجهم؟!». سوالی که مخاطب نیز دنبال پاسخ آن است و همین منطقی می‌شود که ما به دنبال یک اکتشاف تدریجی با بازیگر نقش اول زن راه بفرستیم. فیلم باید حداقل در ۳ نقطه عطف، مخاطب را دچار شوک کند که از ریتم نیفتد و هم مخاطب را همراه نگه دارد که این فیلم توانسته آن گروه‌های لازم را ایجاد کند؛ سانسکس پیدا شدن مهمات در جریان میهمانی خانه پدری عبدالحمید و خلاقی که از



بخش‌های عمده کار نقش خود را بخوبی ایفا می‌کند اما در قسمت‌هایی نیز زیاده‌روی استفاده از دوربین روی دست چشم مخاطب را خسته می‌کند. اما در نهایت باید به میزانشن پرداخت. آبیاری شاید رسک بزرگی کرده که در این حجم وسیع از لوکیشن و در شلوغی بازارهای بلوچستان و پاکستان عوامل را به خط کرده و کادرهای خود را مبتنی بر این حجم آدم و اشیا و سر و صدا بسته است اما این رسک به زنده بودن و واقعی بودن داستان کمک شایانی کرده و مخاطب خود را لا به لای این حجم از اتفاق می‌بیند.

به نظر می‌آید ۲ فردی که در ۲ طرف قضیه قرار دارند، هر دو شخص اصلی هستند. «هوتن شکیبا» و «الناز شاکر دوست» در فیلم همان ۲ شخصیت اصلی‌ای هستند که به مرور ساخته می‌شوند و در طول قصه مخاطب تغییرات آنها را چه در ظاهر و گرمی و چه در دیالوگ و رفتار درک می‌کند. «عبدالحمید» در ابتدای داستان یک جوان ساده، خجالتی و در عین حال غیرتی است. اهل شعر و شاعری است و برای «فائزه» بداهه هم می‌گوید اما در طول داستان تبدیل به نفر دوم «جندالله» می‌شود؛ این تغییرات را آبیاری با بیان نشانه‌هایی در ابتدای فیلم مانند غذا دادن حمید به تمساح‌ها آن هم گویی‌ای از مرغ‌های سر کنده به نمایش می‌گذارد و امکان پذیرش این تغییرات را برای مخاطب بیشتر می‌کند. فائزه نیز در ابتدا ساده و دلباخته است که به حمید و عشقش اعتماد می‌کند اما فضای فیلم و قصه طوری پیش می‌رود که دیگر نمی‌تواند به هیچ‌کس اعتماد کند. این تغییر و تطور و «شخصیت‌سازی»‌ای که آبیاری توانسته بخوبی از پس آن بر بیاید تفاوت یک سینمای قصه‌گو با سینمای مبتدیلی است که صرفاً مواجهه بین تیپ‌های مختلفی است که نتایج این مواجهه‌ها از پیش برای مخاطب معلوم است. هم هوتن شکیبا و هم النا شاکر دوست

کاریکاتور دهنمکی!



احسان سالمی: آیا هر بازیگر موفقی، لزوماً کارگردان موفقی خواهد بود؟ این سوالی است که پاسخ به آن نه فقط برای ما به عنوان مخاطبان سینما، بلکه برای بازیگران و فیلمسازان و به طور کلی اهالی سینما نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ سوالی که شاید اگر بازیگرانی همچون «جواد رضویان» یک بار به دنبال یافتن پاسخ آن می‌رفتند، هیچ وقت آبرویی که طی سال‌ها در دنیای بازیگری به دست آوردند، خرج ساخت فیلم‌هایی همچون «زهرمار» نمی‌کردند! «زهرمار» به معنی واقعی کلمه یک اثر با درواست، این با در هوایی‌ی نه فقط در حوزه تعیین رویکرد کلی و ژانر فیلم که در میان کمدی

بیانیه سیاسی در آشفته‌بازار تکنیک

اما غافل از اینکه بعد از زلزله سونامی است و دریا مد می‌شود، می‌کشد عقب و در غافلگیری همه‌مان را با خودش غرق می‌کند. همه را! آن وسط هم قاب عکس رضاشاه می‌آید تا اگر کسی هم قضیه را نفهمیده، بفهمد؛ هرچند زور بزند تا قصه را در ازمان و لامکان پیش ببرد. هم «گازابلانکا» را پیش بکشد، هم «هزارداستان»، هم «لئون» و هم «بیل» را پیش بکش که هر کدام برای دهه‌های متفاوتی نوستالژی هستند. هر چند زور بزند برای فهم این لامکانی، شخصیت‌های به‌ظاهر اروپایی - و اقتباس‌شده از کاراکترهای سینمای جهان - به زبان فارسی حرف بزنند. هر چند دست یکی موزر باشد و دیگری ماشین ریش تراش دستی عهد دقیانوس! اما اینها هیچ‌کدام نمی‌تواند به مخاطب بقولاند که این لامکانی و لامکانی مربوط به جایی غیر از امروز و اینجاست. هیچ‌کدام نمی‌تواند مخاطب را بابت همین یک کنایه سیاسی در میان آشفته‌بازار تکنیک به سینما بکشاند. مسخره‌باز در نهایت به کار عشق سینماها می‌آید که با توهم نوستالژی بازی‌های فیلم و ارادش به سینمای کلاسیک لذت ببرند.



مسخره‌باز محسن شه‌میرزادی: سال پیش در جشنواره تئاتر فجر، گروهی ژاپنی نمایشی به نام «سفید» را در تئاتر شهر اجرا کردند. نمایشی با بهره‌گیری جذاب از تکنولوژی و استفاده جالب از خطای دید که لحظات هیجان‌انگیزی را برای مخاطب خلق می‌کرد. ایده‌های خلاقانه‌ای که احتمالاً دعوت از آنها هم برای تنوع بخشیدن به ژانرهای جشنواره بود اما نمایش سفید به دنیای دیگری تعلق داشت که تلاش شده بود به زور وارد سالن تئاتر شود. همان موقع لوریس چکنالاریان درباره این نمایش گفت: «این نمایش «شو»یی در آمیخته با تکنولوژی بود و من آن را فوق‌العاده و همراه با نوآوری می‌دانم اما این

و فیلم اجتماعی در رفت‌وآمد است، بلکه در ارتباط با قالب فیلم یعنی سینمایی یا تله‌فیلم نیز به وضوح خود را نمایان می‌کند. رضویان که پیش از ساخت «زهرمار» به عنوان اثر سینمایی خود، تجربه ساخت چند تله‌فیلم برای شبکه نمایش خانگی را دارد، در بخش‌هایی از نخستین اثر سینمایی خود، فراموش می‌کند با مخاطبی طرف است که می‌خواهد فیلم او را بر پرده بزرگ سینما تماشا کند، نه در تلویزیون‌های خانگی یا اتوبوس‌های بین‌راهی، چرا که اگر درک درستی از مفهوم فیلم سینمایی داشت، هیچوقت سراغ اینکاراتی همچون استفاده از «موزیک ویدئو» در میانه فیلمش نمی‌رفت. رضویان در این فیلم که فیلمنامه آن را پیمان عباسی نوشته، با مشکل شخصیت‌پردازی نیز روبه‌رو است، آنچنان که سیماک انصاری به عنوان شخصیتی مذهبی و مردمی که کاندیدای شورای شهر هم شده، بیشتر نمادی از یک فرد بی‌دست و پاست که حتی از عهده کارهای خودش نیز بر نمی‌آید. نکته دیگر آنکه اگر در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ مسعود دهنمکی با استفاده از ابتکاری تازه سراغ خط‌شکنی در ارتباط داشته باشند.